

غلامرضا ستوده

## کتیبه فارسی «مسجد هان چو» در چین

در تابستان سال ۱۳۵۶ هجری قمری که یک هیات سه نفری از اعضای هیات علمی دانشگاههای ایران، بر اساس برنامه‌های مبادله‌های فرهنگی و به‌مبشرت انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، برای تدریس زبان فارسی و بحث درباره شیوه‌های تدریس فارسی به خارجی‌ان و همچنین به منظور مروری در کتاب لغت فارسی به چینی که توسط چند تن از اعضای هیات علمی دانشکده زبانهای خاوری دانشگاه پکن تالیف شده است، به چین رفته بودند و نگارنده نیز عضو هیات اعزامی بود، سواد کتیبه‌ای توسط مقامات آموزش و پرورش جمهوری خلق چین در اختیار بنده قرار گرفت تا برایشان قرائت کنم. به‌دورری که مقامات آموزش و پرورش چین آنها را می‌داشتند در شهر «هان چو» مسجدی است که کتیبه‌ای به خط و زبان فارسی دارد که به‌مرور زمان مقداری از آن کتیبه سائید شده و در اثر فرسایش، قسمتهائی از کتیبه از بین رفته است. آنچه بنده توانستم از روی تنها نسخه‌ای که کپی برداری شده بود بخوانم بدین قرار است:

حق سبحانه و تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا مسجد اسس على التقوى الحق ان القوة بالله تعالى

بحکم نصر قاطع ربانی و برهان ساطع صمدانی که انما یعمرمساجدالله من آمن بالله والیوم الآخر و حدیث نبوی و کلام مصطفوی که من عمر بیت الله عمر الله بینه فی الدنیا والاخره،

هر صاحب دولتی را که دید بصیرت او بنور فاعتبروا یا اولی الابصار منور و چشم بصارت او بکحل یهدی الله بنوره من یشاء مکحل باشد نژاد او اظهر من الشمس و این من الامس خواهد بود که بهترین خیرات و مقدس‌ترین مبرات بنای مسجد و ... چنانچه منطوق این حدیث من بنی‌الله تعالی مسجدا بنی‌الله له بیتا فی الجنة عمل این ناظم است و این سعادت مقبول بارگاه احدی و خصوص (حضور؟) درگاه محمدی را روزی کند، چنانکه درین مدت در عهد این ... ففقور برافرا زنده اعلام الناس، برافروزنده انوار ...

چاکر درگاه او خسرو جم اقتدار      بنده فرمان او قیصر خاقان تبار  
از هنرش گاه رزم و زکرمش روز بزم      رستم‌دستان خجل حاتم‌طی شرمسار  
تاج سرافرازش داده ز کسری نشان      تخت شهنشاهیش مانده زکی یادگار  
سطح زمین . . . .

باقی ویابنده باد دولت . . . . مملکتش بردوام سلطنتش برقرار  
این سعادت و دولت ... و هدایت به بنای چنین مسجدی بهترین حال و ذخرمال کسی که  
کفیل مصالح اهل اسلام و مرجع ... ابوات ...

هذه جنات عدن فادخارها خالدین

عمارتی که ندارد چو کعبه شبه و مثال

تا اساس مسجد اقصاست اندر آسمان      در زمین تا کعبه و بیت الحرامست و ...  
قرائت قسمت‌های پائین سواد کتیبه حتی به صورت کلمه‌ای هم میسر نبود ولی  
در آخر کتیبه عبارت «بنا کرده فخرالدین بن شهاب‌الدین بن علاءالدین ترمذی» به خوبی  
واضح و آشکار بود .

چون در این قبیل موارد معمولاً از کتیبه‌ها نسخه‌های متعدد تهیه می‌شود تا اگر  
کلمه‌ای در یک نسخه خوب نگرفته بود بانسخه دیگر مقابله و خوانده شود، از مقامات  
وزارت آموزش و پرورش چین خواهش کردم دستور دهند دو یاسه کپی دیگر تهیه  
گردد که متأسفانه چون این جریان در آخرین روزهای اقامت ما در پکن بود موفق به  
دریافت و رؤیت کپی‌های دیگر نشدم .

### بررسی کتیبه

طرز املا کتیبه تقریباً به همان شکلی است که در متن آورده‌ام . خط کتیبه خطی

است شبیه نستعلیق. در اطراف کتیبه حجاری‌هایی شده‌است که طرح آن در کپیبه شکل مشخصی نداشت. در بالای کتیبه یک نیم‌دایره حجاری شده وجود دارد که در وسط آن در دو سطر زیر هم نوشته شده‌است «حق سبحانه و تعالی ، بسم الله الرحمن الرحیم» سپس کتیبه با عبارت «هذا مسجد اسر علی التقوی» شروع شده‌است. راجع به سبک نوشته کتیبه ، استاد آقای دکتر سید جعفر شهیدی رئیس مؤسسه لغت نامه دهخدا و چند تن از صاحب نظران دیگر اظهار نظر فرمودند که سبک نوشته مربوط به دوره بعد از مفلو است .

و راجع به قصیده‌ای که چند بیت آن خوانده شد نیز اظهار نظر شد که از استحکام کلام برخوردار است .

اگر فخرالدین بن شهاب‌الدین بن علاءالدین ترمذی بناکننده مسجد همان «ناظم» باشد در عبارت «عمل این ناظم است» قصیده از خود اوست . در غیر این صورت شاید با تحقیق بیشتر کامل قصیده و گوینده آن بدست آید و شناخته گردد .  
جز اینها که گفته شد نشانه دیگری که تاریخ بنای مسجد و سایر مشخصات آن را برساند در کتیبه ملاحظه نشد .

باقی ماندن نام بناکننده مسجد وسیله شد تا تحقیق درباره زمان بنای مسجد و شناخت بیشتر بنیادگذار آن به نتیجه برسد .

قبل از بیان نتیجه تحقیقی که در این مورد صورت گرفته بی‌مناسبت نیست گفته شود که قرائت متن کتیبه از روی سواد منحصر به فرد آن به دنبال بازدید بود که از کتابهای خطی موجود در مسجد «دون شه Dongše» در یکن توسط هیأت اعزامی بعمل آمد . در همان فرصت کوتاه در بررسی چند نسخه خطی معلوم شد که اکثر کتابهای خطی که در فقه و تفسیر است نه تاریخ کتابت دارد و نه نام نویسنده و مؤلف . گویا در چین قدیم رسم نبوده‌است بر مقدمه کتابها و یا کتیبه‌هایی نظیر آنچه به تحریر آمد تاریخ و مشخصات اشخاص نوشته‌آید .

فخرالدین ترمذی و بنیاد مسجد هان چو :

کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی مؤلف کتاب «مطلع سعدین و مجمع بحرین» ذیل



حوادث سال ۸۲۵ هجری قمری<sup>۱</sup> در ذکر آمدن ایلیچیان که به مملکت خطای رفته بودند و شرح غرایب و عجایب آن دیار می نویسد :

«در وقایع سنه اثنستین و عشرين<sup>۲</sup> مذکور است که حضرت خاقان سعید ایلیچیان مقدمهم شادی خواجه نامزد مملکت خطای فرمود و میرزا بایسنفر سلطان احمد و غیاث الدین نقاش را ارسال نمود و بتأکید تمام خواجه غیاث الدین را گفته بود که از آن روز که از دارالسلطنه هرات بیرون رود تا بروزی که باز آید در هر شهر و ولایت آنچه ببیند از چگونگی راه و صفت ولایت و عمارت و قواعد شهرها و عظمت پادشاهان و طریقه ضبط و سیاست ایشان و عجایب آن بلاد و دیار و اطوار ملوک نامدار روز بروز بطریق روزنامه ثبت نماید . درین سال یعنی خمس و عشرين فرستادگان یازدهم رمضان بهرات رسیدند و بیلاکات و تنسوقات پادشاه خطای بعرض رسانیدند و حکایات غریب و کلمات عجیب از اوضاع و رسوم آن ممالک تقریر کردند و چون خواجه غیاث الدین مضمون آن ولایات و حکایات بی غرض و تعصب نوشته بود زبده و نقاوه آن سخنان ثبت افتاد و العهده علی الراوی و درین مقام شرح این کلام بنوع بسطی اختتام خواهد یافت .

ایلیچیان شانزدهم ذیقعه از دارالسلطنه هرات روان شدند ... پنج ماه رجب به قرا خواجه رسیدند . و دهم ماه خطایان آمده اسامی ایلیچیان و عدد مردم ایشان نوشتند و نوزدهم به قصبه اتا صوفی فرود آمدند و آنجا یکی از خاندان مصطفوی و فرزندان مرتضوی خانزاده تاج الدین از سادات ترمذ داماد امیر فخر الدین حاکم مسلمانان قامل بود لنگری ساخته و لگر اقامت انداخته .

۱- چاپ لاهور سال ۱۳۶۰ هـ ق جلد دوم جزء اول ص ۲۷۷ .

۲- محمد شفیع مصحح کتاب مطلع السعدین مذکور ، در حاشیه صفحه ۲۷۸ جلد دوم جزء اول ، طبع دوم ، سال ۱۳۶۰ به اشتباه ضبط این تاریخ اشاره کرده و رجوع داده است به ذیل وقایع سنه ۸۲۲ . مؤلف کتاب به طوری که در صفحه ۳۱۹ آمده ، نوشته است : «میرزا الغ بیگ یازدهم محرم این جماعت و ایلیچیان خطائی را طوی بزرگ فرمود و رعایت تمام نمود و غره صفر بجانب خطای روان شدند و بسیار از تجار و مردم هر دینز آن سفر اختیار کردند و حکایات و حالات و احوال و اوضاع آن ولایات در رفتن و آمدن ایلیچیان چنانچه استماع افتاده شاید که در سنه خمس و عشرين . قلم بحسن رقم شرح آن سخن گوید» .

و بیست و یکم رجب به شهر کامل رسیدند و درین شهر امام فخرالدین مسجدعالی و معبد متعالی ساخته و درغایت تکلف پرداخته بود . و کافران نزدیک مسجد بتخانه‌ای داشتند که بر اطراف آن بتان خرد و بزرگ به صور بدیع نگاشته بودند . و بر در بتخانه صورت دودیو بر یکدیگر حمله کرده نموده بودند و منکلی تیموربایری<sup>۳</sup> جوانی صاحب جمال حاکم کامل بود .

خواندمیر مؤلف تاریخ حبیب‌السیر شمه‌ای از این حوادث را در کتاب خود نقل کرده است<sup>۴</sup> .

به طوری که همکاران چینی، آنها که شهر «هان‌چو» و مسجد آن را دیده اند می‌گفتند در نزدیکی مسجد معبدی هست که در آن چند مجسمه مسی وجود دارد . باین بیان و با توضیحاتی که در حاشیه صفحه ۳۸۱ کتاب مطلع‌السعدین آمده است که «در پیش‌بتی بزرگ مقدار بچه ده‌ساله صورتی از مس ساخته درغایت صنعت و خوبی و بردیوارهای خانه صورت‌گریهای استادانه کرده و رنگ آمیزیهای خوب» به نظر می‌رسد که شهر «هان‌چو» همان شهر کامل است که امیر فخرالدین حاکم مسلمانان کامل در آن اقامت داشته و به ظن متاخم آن مسجدعالی را ساخته است .

شاید در آینده این توفیق دست‌دهد که از این مسجد بازدید بعمل آید و نکات دقیق‌تری کشف و معلوم گردد .

پروژه گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۳- مصحح مطلع‌السعدین در حاشیه صفحه ۳۸۱ چاپ مذکور به نقل از حبیب‌السیر لقب این تیمور

را با بیری آورده است .

۴- حبیب‌السیر ج ۴ ، ص ۶۲۵ . و لغت‌نامه‌دهخدا ذیل کامل .